



بررسی انتقادی شبهات وارده در روایات «حب النساء» برای دفاع از عصمت رسول اکرم ﷺ

محمد شریفی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

چکیده

یکی از مباحث مهم در اعتقادات تشیع، عصمت پیامبران است. از سویی، برخی تلاش نموده‌اند این مسئله را با روش‌های مختلف مخدوش نمایند؛ از جمله این‌که در منابع نقلی شیعه و اهل سنت، روایاتی وجود دارد که از دوست داشتن زنان توسط رسول خدا ﷺ حکایت دارد یا این‌که لذت ایشان را در زنان می‌داند. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤالات است که آیا رسول خدا ﷺ به صورت افراطی، زنان را دوست داشته است؟ آیا این روایات، دال بر هوس‌رانی و علاقه افراطی پیامبر به زنان است و خدشه‌ای به عصمت ایشان وارد می‌کند؟ نتایج پژوهش گویای این است که دوست داشتن زنان توسط رسول خدا ﷺ به هیچ وجه از روی هوس‌رانی نبوده و حب دنیا و از جمله زنان، به صورت اعتدالی و در راستای اهداف الهی هرگز مذمت نشده است و نیز این روایات به هدف تبیین مقام و جایگاه رفیع زن و واکنشی در برابر نگاه منفی عرب جاهلی آن زمان نسبت به جنس زن بوده و مراد از حب در این روایات، شفقت و مودت، حفظ کرامت زن و مبارزه با انحراف فکری و فرهنگی جاهلیت آن زمان بوده است و توهم هوس‌رانی و شهوت‌پرستی جنسی درباره پیامبر گرامی اسلام ﷺ توهم باطلی بیش نیست.

واژگان کلیدی

پیامبر اسلام ﷺ، روایات حب النساء، عصمت پیامبر ﷺ، دوست داشتن زنان.

مقدمه

روایاتی در منابع فریقین گزارش شده است که حاکی از علاقه پیامبر ﷺ به زنان است؛ به عنوان نمونه، رسول خدا ﷺ در روایتی سه چیز را در دنیا به عنوان محبوب خود برگزیده است که یکی از آن‌ها زنان است یا در روایت دیگری لذت خود را در زنان معرفی می‌کنند و امثال این‌گونه روایات، شبهاتی را در ذهن برخی مبنی بر عدم عصمت پیامبر ﷺ یا هوسرانی و علاقه افراطی ایشان به زنان ایجاد کرده است؛ به ویژه، واژه‌های مذکور در این روایات، تداعی‌کننده عشق کاذب یا هوسرانی است و چون این روایات از پیامبر ﷺ نقل شده‌اند، دستمایه برخی معاندان قرار گرفته و باعث شده است نسبت به عصمت ایشان شبهه‌پراکنی و انتقادهایی کنند، البته از سوی دیگر، روایات و حتی آیاتی وجود دارد که این حب را تفسیر می‌کنند و به مثابه محکماتی هستند که به تبیین معنای روایات محل بحث می‌پردازند. از این رو، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات است که آیا این دسته از روایات از صحت برخوردارند؟ آیا رسول خدا ﷺ به صورت افراطی، زنان را دوست داشته است؟ آیا این روایات - نعوذ بالله - دال بر خطاکار بودن یا هوسرانی و علاقه افراطی پیامبر به زنان است و خدشه‌ای بر عصمت پیامبر ﷺ وارد می‌کند؟

گرچه در مورد عصمت پیامبر ﷺ با وجود تفاسیر و کتاب‌های اعتقادی و کلامی، کتاب و مقالاتی نوشته شده است؛ از جمله علامه محمدهادی معرفت در *شبهات و ردود حول القرآن* (۱۴۲۳)، حسن یوسفیان و احمدحسین شریفی در مقاله «پژوهشی در عصمت معصومان» (۱۳۸۸)، علی ربّانی گلپایگانی و سیدکریم واعظ حسینی در مقاله «منشأ عصمت» (۱۳۹۳) و محمدرضا آرام و اکرم معصومی در مقاله «بررسی عصمت پیامبر اکرم از دیدگاه علامه طباطبایی و فخر رازی» (۱۳۹۵) بدان پرداخته‌اند؛ ولی تاکنون پژوهشی متقن به بررسی ارتباط روایات «حب النساء» با عصمت پیامبر ﷺ نپرداخته است. در این پژوهش، نخست روایات در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرند و در ادامه، تحلیلی پیرامون محتوای روایات و ارتباط آن‌ها با آیات قرآن و سایر روایات ارائه خواهد شد و از این رهگذر، به اشکالات وارد شده نسبت به عصمت پیامبر ﷺ در این زمینه پاسخ داده می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی عصمت

عصمت در لغت به معنای اکتساب، امساک، منع، نگه‌داشتن و بازداشتن (ابن‌منظور،

۱۴۱۴ق، ۱۲: ۴۰۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۷: ۴۸۱) است و در اصطلاح، وجود نیرویی در معصوم است که او را از ارتکاب عمل غیرجایز - چه خطا و چه گناه- نگه می‌دارد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۱۳۴). از نگاه جوادی آملی عصمت دو قسم دارد: یکی عصمت علمی که معصوم در همه شئون و امور علمی و ابعاد ادراکی خود، معصوم باشد و دیگری عصمت عملی که نبی یا وصی، در جمیع شئون عملی و ابعاد رفتاری، معصوم باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۴: ۲۲۹).

به نظر می‌رسد این عصمت که شامل عصمت از اشتباه هم می‌شود ناشی از علم و اراده پیامبر است نه امر بیرونی مثل نگهداشتن از سوی خداوند؛ همان‌طور که برخی عصمت را چنین معنا کرده‌اند که خداوند بنده‌اش را از بدی حفظ کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۴: ۳۳۱). پس باید گفت در نفس پیامبر ﷺ نسبت به رفتار معصومان، سببی وجود دارد که موجب عصمت او می‌شود و چنین نیست که همه چیز بدون دخالت معصوم، به طور مستقیم توسط خداوند انجام گیرد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۱۳۹). به عبارت دیگر، عصمت نوعی علم و شعور است (همان، ۵: ۸۰)، البته از نگاه برخی معاصران، این علم، تفضلی و هبه‌ای است و از قبیل علوم متعارف نیست (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ۳: ۱۶۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۹۸) و از نگاه برخی دیگر، چون قوه عقل معصوم، تام و کامل است، او را از معصیت باز می‌دارد (حلی، ۱۴۱۳ق: ۱۱۵ و ۱۱۹؛ لاهیجی، بی‌تا: ۱۲۸) و کسی که جمیع قوه‌های او تابع عقل او شوند، محال است که معصیت از او سرزند؛ زیرا جمیع معاصی در نظر عقل قبیح است (نراقی، ۱۳۶۹: ۹۴). در نتیجه می‌توان گفت برخلاف ادعای اشاعره (رازی، ۱۴۰۴ ق: ۳۱۷)، معصوم قدرت بر گناه دارد، اما آگاهانه و با اختیار تام از آن دوری می‌کند.

حال با توجه به معنای دقیق عصمت به بررسی روایات حب النساء که از پیامبر ﷺ نقل شده است می‌پردازیم و به این شبهه پاسخ می‌دهیم که آیا این روایات، خدشه‌ای به عصمت ایشان وارد می‌کند یا خیر؟

۲. روایات «حب النساء»

با اسناد و متون مختلف در منابع حدیثی فریقین، روایاتی گزارش شده است که به‌طور عمده به نقل از رسول خدا ﷺ هستند و از علاقه پیامبر ﷺ به زنان حکایت دارد و در واقع یکی از چیزهای مورد علاقه ایشان در دنیا را زنان معرفی می‌کند. این روایات را می‌توان به دو دسته

تقسیم کرد:

دسته اول، روایاتی هستند که حبّ زنان را ستوده، آن را لازمه و هم‌پایه نماز دانسته است و آن را از اخلاق انبیا به شمار می‌آورد؛ مانند روایتی از انس بن مالک که رسول خدا ﷺ فرمود: «از دنیا، زنان و عطر محبوب من هستند و نماز نور چشم من قرار گرفته است»^۱ (نسایی، ۱۳۴۸، ۷: ۶۱ و ۲۳۸؛ طبرانی، ۱۴۱۵، ۵: ۲۴۱ و ۶: ۵۴) و از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمود: «از عیش و دل‌خوشی دنیا فقط بوی خوش و زنان را دوست می‌دارم»^۲ (ابن‌سعد، بی‌تا، ۱: ۳۹۸). در سلسله سند این روایت، بکر بن الحکم التمیمی وجود دارد که رجالیان اهل سنت از وی با تعبیر «لیس بقوی» یاد کرده‌اند (مزی، ۱۴۰۸، ۴: ۲۰۴؛ ذهبی، بی‌تا، ۴: ۴۹)؛ بنابراین سند این روایت ضعیف است و پژوهشگران اهل سنت نیز سند آن را ضعیف شمرده‌اند (حلبی، ۱۴۱۵، ۴: ۱۸۱)؛ همچنین از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمود: «نور چشم من در نماز و لذت من نیز در زنان قرار داده شده است»^۳ (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۳۲۱). نجاشی در ترجمه معلی بن محمد چنین نوشته است: «معلی بن محمد البصری أبو الحسن مضطرب‌الحديث و المذهب...» (نجاشی، ۱۳۹۴: ۴۱۸). آیت‌الله خویی نیز در مورد او می‌گوید: «روایات معلی بن محمد بصری، معروف و منکر است. از افراد ضعیف، نقل روایت می‌کند و می‌تواند به عنوان شاهد، اخذ شود» (خویی، ۱۴۱۳، ۱۹: ۲۷۹). وی در سند نوزده روایت تحریف آمده است. اگر چه در آرای رجالی‌ها تصریح به غلو درباره او دیده نمی‌شود، اما تعابیر به کار برده‌شده در مورد او، نوع روایات نقل‌شده توسط او و نوع کتب منسوب به او، نظریه غالی بودن او را تقویت می‌کند (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۰۳). بنابراین این حدیث نیز در حکم احادیث ضعیف تلقی می‌شود.

در روایت دیگری از ایشان آمده است: «چهار چیز از سنن رسولان الهی است: عطر، زنان،

۱. أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَيْسَى الْقَوْمِيسِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَفَّانُ بْنُ مُسْلِمٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَلَامٌ أَبُو الْمُنْذِرِ، عَنْ ثَابِتٍ، عَنْ أَنَسٍ،

قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: حُبَّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا النِّسَاءُ، وَالطِّيبُ، وَجُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ.

۲. أَخْبَرَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ، أَخْبَرَنَا أَبُو بَشِيرٍ صَاحِبُ الْبَصْرِيِّ، عَنْ يُونُسَ، عَنِ الْحَسَنِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا أَحْبَبْتُ مِنْ عَيْشِ الدُّنْيَا إِلَّا الطِّيبَ وَالنِّسَاءَ.

۳. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ حَمَادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ جُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَلَذَّتِي فِي الدُّنْيَا النِّسَاءُ وَرِيحَاتِي الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ.

مسواک و خضاب»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۰۰: ۲۱۸).

پیامبر اکرم ﷺ در روایت دیگری می‌فرماید که هفت ویژگی به ما اهل بیت داده شده که پیش از ما به هیچ کس داده نشده است و حضرت آخرین ویژگی را دوست داشتن زنان بیان می‌فرماید^۲ (ابن‌اشعث، بی‌تا: ۱۸۳؛ راوندی کاشانی، بی‌تا: ۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۰۰: ۲۲۸)، البته در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «گمان نمی‌کنم که هیچ مردی بر خوبی ایمانش افزوده شود، مگر آن‌که محبتش به همسرانش افزون گردد»^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۳۲۰)؛ این حدیث با سندهای دیگری نیز در منابع حدیثی شیعه از جمله *وسائل الشیعة* و *مرآة العقول* نقل شده است (رک: حر عاملی، ۱۴۰۴ق، ۲۰: ۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲۰: ۵).

با بررسی این احادیث می‌توان گفت عمده احادیث *حب النساء* منقول از پیامبر ﷺ و به نقل از منابع شیعی و اهل سنت است که سواى ضعف سندى برخى از این احادیث، با توجه به نقل آن‌ها در منابع فریقین و دستاویز قرار گرفتن برای برخی، لازم است به بررسی محتوایی این احادیث نیز پرداخته شود.

دسته دوم، روایاتی است که *حب النساء* را شمشیر شیطان و مهم‌ترین عامل معصیت خداوند معرفی نموده است: در روایتی امام علی علیه السلام، سه چیز را فتنه می‌داند: «*حب النساء* که شمشیر شیطان است و شرب خمر که تیر شیطان است و ..»^۴ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۱: ۱۱۳؛ حر عاملی،

۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَرَّازِيِّ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَزْبَعُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْعِطْرُ وَالنِّسَاءُ وَالْمَسْوَكُ وَالْحِجَاءُ».

۲. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَعْطَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ سَبْعَةَ لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلَنَا وَلَا يُعْطَاهَا أَحَدٌ بَعْدَنَا الصَّبَاحَةَ وَالْفَصَاحَةَ وَالسَّمَاحَةَ وَالشَّجَاعَةَ وَالْحِلْمَ وَالْعِلْمَ وَالْمَحَبَّةَ مِنَ النِّسَاءِ».

۳. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَرِيدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «مَا أَظُنُّ رَجُلًا يَزْدَادُ فِي الْإِيمَانِ خَيْرًا إِلَّا أَزَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ».

۴. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِي قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام الْفِتْنُ ثَلَاثُ حُبِّ النِّسَاءِ وَهُوَ سَيْفُ الشَّيْطَانِ وَ شُرْبُ الخَمْرِ وَهُوَ فَخُّ الشَّيْطَانِ وَ حُبُّ الدُّبَابِ وَ الدَّرْهِمِ وَ هُمْ سَهْمُ الشَّيْطَانِ فَمَنْ أَحَبَّ النِّسَاءَ لَمْ يَنْتَفِعْ بِعَيْشِهِ وَ مَنْ أَحَبَّ الْأَشْرَبَةَ حَرَمَتْ عَلَيْهِ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَحَبَّ الدُّبَابَ وَ الدَّرْهَمَ فَهُوَ عَبْدُ الدُّنْيَا.

۱۴۰۴، ۲۰: ۲۶).

در روایت دیگری از پیامبر اکرم ﷺ آمده است که «اولین چیزهایی که خدا به وسیله آن معصیت شد شش مورد است: حب دنیا، حب ریاست، حب غذا، حب خواب، حب راحتی و حب زنان»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۲۸۹؛ برقی، ۱۳۷۱، ۱: ۲۹۵)؛ همچنین بر اساس روایتی منقول از امام صادق ﷺ، اگر زنان نبودند بندگی خدا به جا آورده می شد^۲ (بروجردی، ۱۳۸۶، ۲۵: ۵۵۴).

با توجه به دو دسته روایات مذکور به تحلیل و بررسی محتوای روایات بر اساس قرآن، سنت و عقل پرداخته می شود:

۳. تحلیلی بر محتوای روایات با تأکید بر عصمت پیامبر ﷺ

ملاک‌های مختلفی برای نقد محتوای روایات مطرح است؛ از جمله ۱- تعارض با قرآن، ۲- تعارض با سنت و ۳- تعارض با عقل. در این پژوهش با توجه به هر یک از این سنجه‌ها روایات محل بحث در این تحقیق مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱-۳. تعارض با قرآن

تعارض یا عدم تعارض روایات با آیات قرآن از جمله مهم‌ترین مواردی است که باید در نقد متن بدان توجه کرد، چه این در روایات نیز به این اصل تأکید شده است. از رسول خدا ﷺ چنین روایت شده است که فرمود: «هنگامی که روایتی از من به شما رسید، آن را بر کتاب خدا و سنت من عرضه کنید، آنچه موافق کتاب و سنت بود را بگیرید (عمل کنید) و آنچه مخالف کتاب خدا و سنت بود را رها کنید»^۳ (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۳۵۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۴۴۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۳۶).

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ أَوَّلَ مَا عُصِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ سِتُّ حُبِّ الدُّنْيَا وَحُبِّ الرِّئَاسَةِ وَحُبِّ الطَّعَامِ وَحُبِّ النُّؤْمِ وَحُبِّ الرَّاحَةِ وَحُبِّ النِّسَاءِ.

۲. وقال ﷺ لولا النساء لعبد الله حقاً حقاً.

۳. فَإِذَا أَنْتَكُمُ الْحَدِيثُ عَنِّي فَأَعْرِضُوهُ عَلَيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِي فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّتِي فَخُذُوا بِهِ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّتِي فَلَا تَأْخُذُوا بِهِ ...

ممکن است برخی روایات حب النساء را در تعارض با آیاتی بدانند که دوست داشتن امور مادی را نوعی امری مذموم و کاری شیطانی می‌دانند؛ از جمله این که خداوند می‌فرماید: ﴿زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ النَّبِيِّنَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ﴾ (آل عمران: ۱۴).

شهوآت جمع شهوت و به معنای علاقه شدید به چیزی است، البته به نظر برخی، مراد از شهوات در آیه ۱۴ آل عمران، مشتهیات یعنی اشیاء مورد علاقه است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۲: ۵۳۱). به نظر برخی دیگر، مراد از شهوت، علاقه معمولی نیست؛ بلکه دلدادگی و مرحله شدید حب است که نوعی جنون و فاعل آن شیطان است نه خداوند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۳: ۹۶).

در تحلیل این آیات و روایات باید گفت تزیین دنیا در نظر مردم دو گونه است: یکی این که انسان با حب دنیا به آخرت برسد و خوشنودی خدا را با به کار بردن مال و جاه و اولاد به دست آورد و این خود سلوک الهی و پسندیده است که خدای تعالی این گونه تزیین‌ها را به خودش نسبت داده است: ﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (کهف: ۷) یا در جای دیگر می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾ (اعراف: ۲۳)؛ بگو چه کسی زینت دنیایی را که خدا برای بندگانش درست کرده و نیز رزق پاکیزه را حرام نموده است؟

از نظر علامه، قسم دیگر جلوه‌گری دنیا این است که دل‌ها شیفته دنیا و غافل از ما ورای آن و از جمله ذکر خدا شود. این قسم جلوه‌گری، تصرفی شیطانی و مذموم است که خدای سبحان آن را به شیطان نسبت داده و بندگان خود را از آن بر حذر داشته است؛ چنانکه فرمود: ﴿وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (انعام: ۴۳)؛ شیطان برای شما آنچه انجام می‌دهید را زینت داد.

طبق این آیات و تحلیلی که صورت گرفت، مشخص می‌شود که دوست داشتن زنان توسط رسول خدا ﷺ هرگز در تقابل با آیات نیست، بلکه آیات قرآن نیز این مضمون و کلام پیامبر ﷺ را تأکید می‌کند. در آیه ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف: ۱۱۰)، خداوند می‌فرماید که پیامبر ﷺ نیز بشری مانند دیگران است و تنها تفاوت او این است که وحی بر ایشان نازل می‌شود؛ بنابراین دوست داشتن زنان از این جهت که ایشان بخواهند خانواده تشکیل دهند و از زینت‌های حلال

الهی استفاده کنند تا به قرب الهی برسند، هرگز محذوری ندارد و در عصمت ایشان، خدشه‌ای وارد نمی‌کند و آیات قرآن هیچ‌گاه علاقه معتدل نسبت به زن، فرزند، مال و ثروت را نکوهش نمی‌کند و اصلاً پیشبرد اهداف معنوی بدون وسایل مادی ممکن نیست و به تعبیر آیت‌الله مکارم شیرازی، قانون شریعت هرگز بر ضد قانون خلقت و آفرینش نیست و آنچه مورد نکوهش است، عشق و علاقه افراطی و به عبارت دیگر «پرستش» این موضوع‌ها است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۵۳۳).

عَزَّتْ دُرُوزَه ذیل آیه ﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَاقِ﴾ (آل عمران: ۱۴) می‌نویسد این‌کثیر در سیاق این آیات روایتی را آورده است که آن‌ها را نیز صحیح خوانده است، یکی از روایت به نقل از پیامبر ﷺ است که فرمود زنان و بوی خوش برای من محبوب قرار داده شد و نور چشم من نیز نماز است، ممکن است که این روایات به این معنا باشند که طبق این کار رسول خدا ﷺ در قرآن و سنت مانعی وجود ندارد که انسان را از دوست داشتن زنان، اسب‌های زیبا، بوی خوش و زیبایی‌های دیگر باز بدارد، در صورتی که حلال باشد و در آن قصد گناه وجود نداشته باشد و صفاتی که آیات ۱۵ تا ۱۷ سوره آل عمران^۱ بیان کرده است، جامع صفاتی است که انسان مؤمن می‌تواند داشته باشد (دروزه، ۱۴۲۱ق، ۷: ۱۲۸).

همچنین هدف ازدواج رسول خدا ﷺ با زینب بنت جحش همسر مطلقه پسرخوانده خود (زید بن حارثه) که به امر الهی صورت گرفت، از بین بردن یکی از سنت‌های غلط رایج در آن زمان بود. بر اساس سنت غلط آن زمان، پسرخوانده در تمامی احکام، همانند پسر حقیقی محسوب می‌شد. همانند او ارث می‌برد و همسر او نیز، حکم عروس پدر خوانده را داشت و حتی پس از جدایی از پسرخوانده، ازدواج پدرخوانده با او ممنوع بود. ادامه آیه و آیه بعد از آن (پس چون [زید] از آن [زن] کام برگرفت [و او را ترک گفت]، ما او را به نکاح تو درآوردیم تا [در آینده] در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخواندگانش -چون آنان را طلاق گفتند- گناهی نباشد...) (احزاب: ۳۷ و ۳۸)، مؤید این مطلب است که انگیزه پیامبر از این ازدواج، از میان

۱. ﴿قُلْ أَوْسَيْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَمُ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ؛ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ؛ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنا آمَنَّا فَأَعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَاتِلِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَعْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾.

برداشتن آن سنت جاهلی بوده است نه انگیزه‌های نفسانی یا عشق به زینب که خدشه‌ای بر عصمت ایشان وارد شود؛ همچنین ترس پیامبر ﷺ از مردم به جهت امر شخصی (همانند از دست رفتن آبرو و منزلت اجتماعی) نبود، بلکه می‌ترسید عیب‌جویی و طعنه برخی از بیماردلان، ایمان عامه مردم را سست کند. پس این خوف هم رنگ الهی داشت، نه آن‌که از غیر خدا می‌ترسید! در هر حال آیه شریفه برخلاف شبهه‌کنندگان در مقام سرزنش و عتاب پیامبر ﷺ نیست؛ چرا که از پایان آیه ۳۸ احزاب استفاده می‌شود که این ازدواج به فرمان الهی بوده است و اراده و انتخاب پیامبر ﷺ هیچ نقشی در آن نداشت (طباطبایی: ۱۴۱۷ق، ۱۶: ۳۲۳)؛ زیرا تعبیر آیه شریفه این است که: «زَوَّجْنَاكَهَا»؛ «وی را به نکاح تو درآوردیم» و نیز می‌فرماید: «وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا»؛ فرمان خدا انجام یافتنی است (احزاب: ۳۷). از این رو، این ازدواج به امر الهی و در راستای شکستن یک سنت جاهلی بوده و هرگز تعارضی با عصمت و جایگاه معنوی پیامبر ﷺ ندارد.

در برخی روایات نیز آمده که رسول خدا ﷺ لذت خود را در زنان توصیف کرده است، برداشتی که می‌توان متناسب با این روایت داشت این است که پیامبر ﷺ به دلیل وجود آرامش در ازدواج و اهمیت تشکیل خانواده و نقش مهم مودت و محبت در خانواده که می‌تواند جامعه را نیز به سمت صحیح هدایت کند، این‌گونه فرموده‌اند. از این رو، این روایات ضمن این‌که کاملاً منطبق با آیه هستند، تعارضی هم با عصمت پیامبر - به معنای گفته‌شده - ندارند و نه تنها دلیل بر هوس‌رانی پیامبر نیست، بلکه به عکس، مانع هوس‌رانی جامعه می‌شود.

با امکان انطباق بین روایت نبوی با آیه ۲۱ سوره روم^۱ می‌توان به مسئله مهم خانواده در کلام رسول خدا ﷺ پی برد. از آنجا که ایشان زن را محبوب خود می‌داند و از ازدواج زن و مرد خانواده تشکیل می‌شود، در واقع یک نهاد اجتماعی کوچک همراه با مودت و محبت در کنار یکدیگر رشد و نمو می‌کند؛ در واقع این چرخه بیانگر یک رخداد مهم است که از دامن آن می‌توان جامعه‌ای متشکل از خانواده‌های سالم داشت که البته این جامعه در سایه مودت و محبت می‌تواند عاری از هر نوع نزاع و تنش‌های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و... باشد. در نتیجه بیان رسول خدا ﷺ از این حیث کاملاً منطبق با آیه ۲۱ سوره مبارکه روم است و می‌توان

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».

گفت به واسطه زن می‌توان تشکیل خانواده داد و در سایه مودت و محبت او به آرامش و آسایش رسید و اجتماع سالمی داشت. در سایه تشکیل خانواده سالم است که جامعه‌ای سالم و به دور از گناه و فحشا خواهیم داشت. این تحلیل نیز نه تنها تعارضی با عصمت پیامبر ﷺ ندارد، بلکه راهکاری برای رسیدن جامعه به درجاتی از همین عصمت است.

این روایات با دیگر آیات قرآن نیز سازگاری دارد که از جمله می‌توان به آیه «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (اعراف: ۳۲) اشاره کرد. در این آیه خداوند از حرام کردن و استفاده نکردن از زینت‌هایی که برای انسان‌ها قرار گرفته است، نهی می‌کند و به عبارت روشن‌تر اشاره می‌کند که باید در روی از زمین از زینت‌هایی که خداوند در اختیار مردم قرار داده است، استفاده کرد و کسی حق منع کردن دیگران در استفاده از آن‌ها را ندارد. بی‌شک همان‌طور که در توضیح آیه ۲۱ سوره روم گذشت، یکی از مواهب الهی که انسان‌ها به وسیله آن آرامش پیدا می‌کنند، ازدواج است. به عبارت دیگر هر انسانی به دلیل نقصی که در خود دارد، به دنبال کمال است و این کمال نیز در جنس مخالف او پیدا می‌شود و برای مردان نیز زنان چنین حکمی را دارند.

از دیدگاه علامه طباطبایی، منظور از اخراج زینت در این آیه برای بندگان کنایه‌ای برای اظهار آن است و استعاره تخیلیه است، یعنی خداوند به واسطه الهام و هدایت خود انسان را از طریق فطرت به سمت به وجود آوردن زینت‌های مختلف سوق داده که مورد پسند جامعه و موجب جذب شدن دل‌ها به سوی خدا است. خداوند به زینت‌هایی اشاره می‌کند که برای بندگان است و آن‌ها را برای استفاده به بندگان الهام کرد و بدیهی است که فطرت تنها به چیزی ملهم می‌شود که انسان به آن‌ها احتیاج دارد تا بتواند زنده بماند، هیچ دلیلی بر مباح بودن چیزی قوی‌تر از احتیاج به آن نیست، خداوند بین انسان محتاج و آن چیزی که او نیاز دارد، ارتباط برقرار کرده است که آن‌ها را به دست آورد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۸: ۸۰ و ۸۱).

۲-۳. تعارض با سنت

یکی دیگر از ادله‌ای که می‌توان روایات را با آن مورد ارزیابی قرار داد، عرضه روایات بر سنت قطعی است، چنانچه اگر روایاتی وجود داشته باشد که سنت قطعی آن‌ها را رد کند، کنار گذاشته می‌شوند و اگر روایات صحیح آن‌ها تأیید کنند، مورد پذیرش واقع می‌شوند. در مورد

روایات محل بحث نیز نوع دوم صادق است و روایاتی داریم که فعل رسول خدا ﷺ در این جهت که فرمود زن یکی از چیزهایی است که محبوب ایشان قرار دارد را تأیید می‌کند. در مطالب پیش‌گفته، این مسئله تبیین شد که علاقه پیامبر به زنان طبق آیات قرآن، محذوری ندارد و از این جهت که در قرآن به امر ازدواج و لذت بردن از زینت‌های حلال تأکید شده است، عمل رسول خدا ﷺ را نیز می‌توان این‌گونه توجیه کرد. در همین راستا روایات بیانگر اهمیت ازدواج، خود دلیلی متقن برای اظهار محبت به زنان است. برای نمونه برخی از این روایات ذکر می‌شوند:

الف- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «دوست داشتن زنان از اخلاق پیامبران است»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۳۲۰).

ب- در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «در ایمان هیچ مردی خیر افزوده نمی‌شود، مگر این‌که دوست داشتن زنان را بیفزاید»^۲ (همان).

ج- امام صادق علیه السلام در نقل دیگری می‌فرماید: «بیشتر خیر در زنان است»^۳ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۳۸۵).

د- از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند شب و زنان را مایه آرامش قرار داده است»^۴ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۷: ۸۰).

همچنین شیخ صدوق در *خصال* و در تحلیل روایات محل بحث با کمک گرفتن از دیگر روایت که آن‌ها را تأیید می‌کند، می‌نویسد: «خداوند زنان را محبوب پیامبر ﷺ قرار داد و علت آن نماز بود؛ چراکه رسول خدا ﷺ فرمود: «دو رکعت نمازی که فرد متأهل به جای آورد، از هفتاد رکعت نماز غیر متأهل نزد خداوند بافضیلت‌تر است»؛ همچنین خداوند بوی خوش را نیز برای نماز محبوب ایشان گرداند یا در روایتی نقل شده است که دو رکعت نماز فرد معطر از

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ حُبُّ النِّسَاءِ.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي بَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ بَرِيدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا أَظُنُّ رَجُلًا يَزِدُّهُ فِي الْإِيمَانِ خَيْرًا إِلَّا أَزْدَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ.

۳. رُوِيَ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَمَّنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ.

۴. عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ بِنْتِ الْإِيَّاسِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَجَعَلَ النِّسَاءَ سَكَنًا.

هفتاد رکعت نمازی که بدون بوی خوش است، بافضیلت تر است؛ همچنین پیامبر ﷺ فرمود نور چشم من در نماز قرار داده شد، دلیل آن نیز این است که اگر مرد بوی خوش استعمال کند و ازدواج نیز کرده باشد، اما نماز به جای نیابرد در استعمال بوی خوش و تزویج او نیز هیچ فضیلت و ثوابی وجود نخواهد داشت (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۱: ۱۶۵-۱۶۶). این تحلیل نیز بر پایه دیگر روایت استوار است و نشان می‌دهد که طبق روایات دیگری که از رسول خدا ﷺ وارد شده است، حکمت دوست داشتن زنان و یا استعمال بوی خوش نزد ایشان برای رسیدن به نماز بوده است.

در زمینه امر به ازدواج نیز روایات دیگری وارد و تحلیل‌های مختلفی ارائه شده است؛ از جمله این‌که گفته شده است با توجه به این‌که پیامبر ﷺ ترك ازدواج را برتندترین سلاح شیطان معرفی کرده است، روشن می‌شود که ترك ازدواج و عدم ارضای صحیح غریزه جنسی تا چه اندازه، باعث از بین رفتن ایمان فرد و وارد شدن او به مسیر گمراهی و انحراف است. از این رو، در روایات، به طور مکرر بیان شده است که ازدواج، باعث حفظ ایمان می‌شود و فردی که می‌خواهد ایمانش تکمیل شود، باید ازدواج کند؛ از جمله این‌که امام صادق ﷺ می‌فرماید پیامبر ﷺ فرمودند: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النَّصْفِ الْبَاقِي» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۱۸)؛ کسی که ازدواج می‌کند، نصف دین خود را حفظ کرده، پس جهت نیم دیگر آن، به تقوا روی آورد.

در حدیث دیگری از پیامبر ﷺ آمده است که فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقَهُ بِزَوْجَةٍ» (حر عاملی، ۱۴۰۴ ق، ۲۰: ۱۸)؛ کسی که دوست دارد در حالی خداوند را ملاقات کند که پاک و مطهر است، باید ازدواج کند. بنابراین، ازدواج، ایمان را حفظ می‌کند و اگر با این هدف، ازدواج انجام شود، خداوند آن پیوند را مبارك و میمون می‌گرداند.

باتوجه به این احادیث، به خوبی متوجه می‌شویم که چرا پیامبر ﷺ می‌فرماید: «جعل قرة عینی فی الصلاة و لذتی فی النساء»؛ نماز نور چشم من است و لذت من در زناشویی است. شاید علت این‌که نماز و لذت از همسر، در يك حدیث و در کنار هم مطرح شده‌اند، آن باشد که نماز فرد متأهل، در تکامل روانی- معنوی وی، تأثیر بیشتری دارد. از این رو، پاداشش چند برابر نماز فرد مجرد است (فقیهی، ۱۳۸۷: ۲۲۱-۲۲۳). بنابراین طبق آنچه که در این بخش گذشت روشن می‌شود که زنان موجب آرامش هستند و برای رسیدن به نماز با فضیلت بیشتر نیز باید ازدواج کرد و از این رو پیامبر ﷺ نماز و زنان را دوست داشت؛ چه این‌که این دو امر مهم

در تکامل ایشان بسیار تأثیرگذار بود و این دلیل دیگری بر حفظ عصمت پیامبر ﷺ است نه اشکالی بر عصمت ایشان.

در روایات دیگری، زیاد آمیزش کردن با زنان، نیکو و از اخلاق انبیا دانسته شده است. امام رضا علیه السلام فرمودند: «سه چیز از سنت پیامبران است: عطر زدن، زدودن موهای زائد بدن و آمیزش زیاد با همسران» (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۸۳). این روایت با سندهای مختلفی روایت شده است. در روایتی چنین آمده است که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «سه چیز از سنت پیامبران است: عطر زدن، زدودن موهای زائد بدن و کثرت طروقه» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۳۲۰). طروقه در این روایت دو صورت فتح و ضم طاء خوانده شده است. اگر طاء مفتوح باشد به معنی همسران و مراد از آن کثرت همسران و ازدواج و در صورتی که طاء مضموم خوانده شود به معنای آمیزش خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۶۲: ۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۹۶؛ موسی و صعیدی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۳: ۴۴۹). در مقابل، روایاتی وجود دارند که آمیزش با زنان را منع و مذمت می‌کند. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «کسی که خواستار باقی ماندن است؛ در حالی که بقایی در دنیا نیست [یعنی کسی که طالب بقاء نسبی و طول عمر است] صبحانه را صبح زود بخورد، کفش مناسب و خوب بپوشد، رداء خود را کوتاه کند و آمیزش با زنان را کم کند. به پیامبر عرض شد: منظور از کوتاه کردن رداء چیست؟ حضرت فرمودند: کم کردن قرض و بدهی» (نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۳: ۳۸۸).

با دقت در مفاهیم این دو دسته روایات به ظاهر متعارض، باید گفت این روایات متنافی با یکدیگر نیستند، چون بر اساس آیات و روایات، دنیا دو جهت دارد: ۱- جهت حقیقی، مانند وجود انسان و دیگر موجودات و حقایق نظام جهان مادی که از این جهت نه تنها مذموم نیست، بلکه به عکس، پسندیده و مورد سفارش نیز است؛ همچنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «دنیا مزرعه و کشتزار آخرت است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۰: ۱۴۸) و ۲- جهت امر اعتباری و غیرواقعی؛ یعنی دنیا هدف و نهایت آرزوی انسان باشد. دنیا به این جهت، مذموم و مورد نکوهش است و باعث فراموشی خداوند و آخرت می‌شود.

بر اساس این روایات، محبت افراطی به زنان به طوری که همه هم و غم فردی، عشق مادی به زنان باشد و نیز کثرت آمیزش با زنان به معنای فرو رفتن در شهوات به طوری که انسان را از یاد خدا باز دارد، خود عاملی برای معصیت الهی است. از این رو دوست داشتن زنان هم می‌تواند

عاملی در جهت خودسازی، تقرّب و رضای الهی باشد و هم می‌تواند بزرگ‌ترین عامل برای معصیت و نافرمانی الهی محسوب شود. از این رو تأکید پیامبر ﷺ بر حفظ اعتدال در مسئله زنان و محبت به آنان است. از سویی، ازدواج و تشکیل خانواده برای جلوگیری از گناه، شهوت و هوس‌رانی، ضروری است و از سوی دیگر، باید از افراط و تفریط در این مسئله بر حذر بود. پیامبر اکرم ﷺ دوری از ازدواج را عامل اساسی انحراف و گناه تلقی می‌کند و ازدواج را موجب ایمان و تقوا در انسان و تشکیل خانواده و رابطه داشتن زن و شوهر با همدیگر را موجب سعادت و به دست آوردن ثمرات مادی و معنوی فراوان می‌داند که یکی از پیامدهای آن به دست آوردن مراحل از عصمت است.

می‌توان گفت زن همانند نماز، عامل رشد و تعالی انسان و زمینه آرامش او و محبت به زن، منشأ کمال است، البته به شرطی که در جایگاه حقیقی تعریف شده خود باشد؛ اما شیطان با تزیین امور و ایجاد انحراف در اموری که بیشترین خیر را برای انسان دارد و به منظور کمال و تعالی انسان‌ها هستند می‌تواند بیشترین انحراف را نیز ایجاد کند.

۳-۳. تعارض با عقل

یکی دیگر از ملاک‌های صحّت روایات عدم مخالفت با عقل است؛ زیرا عقل رسول باطن و مهم‌ترین حجت خداوند است که به وسیله آن شناسایی خدا و راستی و درستی پیغمبران هویدا می‌گردد. بدیهی است گفتار پیغمبر (که نبوت وی به راهنمایی همین حجت باطنی شناخته شده است) نمی‌تواند مخالف با اصل حجت (یعنی عقل) باشد (شانه‌چی، ۱۳۸۸: ۱۳۱). اگر در مواردی حدیث مخالف قطعی عقل باشد، یا باید راهی برای توجیه آن و خارج شدن آن از تعارض با حکم عقل پیدا کرد و آن را تأویل برد یا آن را کنار گذاشت (نفیسی، ۱۳۸۰: ۱۳). به نظر شیخ مفید اگر حدیثی برخلاف احکام عقلی باشد، مبنای حکم قرار نمی‌گیرد (ر.ک: گرجی، ۱۳۹۴: ۲۴۴).

تا این جا روشن شد که روایات محلّ بحث با آیات قرآن و روایات صحیح مخالفتی ندارند و می‌توان پس از عرضه آن‌ها به آیات و سنت قطعی پی به حکمت فعل رسول خدا ﷺ برد، اما از منظر عقل نیز می‌توان به همین نتایج رسید، چه این که ممکن است در اینجا شبهه‌ای ایجاد شود و برخی بخواهند طبق این روایات، رسول خدا ﷺ را به عنوان کسی که به صورت افراطی فقط به زنان علاقه داشتند معرفی کنند و بدین صورت معنای دیگری از روایت ارائه کنند که شأن

رسول خدا ﷺ را پایین آورد یا خدشه‌ای در عصمت ایشان وارد کند؛ در حالی که در آیه ۲۱ سوره احزاب، رسول خدا ﷺ به عنوان اسوه حسنه و الگو معرفی شده است،^۱ الگو بودن ایشان از طرفی و معصوم بودن ایشان از طرف دیگر، به وضوح دلالت بر این دارد که هر گونه کار خطا و گناه- با توجه به تعریفی که از عصمت شد- نمی‌تواند از ایشان سر بزند و اگر چنین استنباطی وجود داشته باشد، بدین دلیل که در تعارض با شأن ایشان است، به یقین مردود خواهد بود. در نتیجه می‌توان ادله ارائه شده در باب علل دوست داشتن زنان توسط پیامبر ﷺ را از رهگذر عقل نیز اثبات کرد.

پیرامون مدلول این روایات، تحلیل‌های دیگری نیز صورت گرفته که در تأیید تحلیل‌های ارائه شده است، از جمله این‌که گفته شده «با توجه به این که عنوان حب النساء در روایات دیگری متفاوت با این دسته روایات از قول پیامبر ﷺ و نیز اهل بیت علیهم‌السلام به کار رفته است، در صورتی می‌توان مدلول واقعی آن را کشف کرد که تمام معنای محتمل را بررسی نمود. معنای اول، مراد از حب النساء خیرخواهی و توجه به کرامت انسانی زنان است که خود از نشانه‌های کمال انسان است. همچنین در پاسخ به این شبهه که آیا مراد از روایات حب النساء شهوت جنسی است نیز گفته شده است که مراد از حب در این روایات اشفاق، ارفاق، مودت و حفظ کرامت زن در مرتبه رفیع انسانی او است و هرگز به معنای مسائل شهوی نیست (معرفت، ۱۴۲۳ق: ۱۴۹)؛ اما ممکن است اشکال شود که مراد از حب نساء، حب مجازی، ظاهری یا حتی حیوانی باشد که البته با نگاه بدوی این معنا نیز قابل تصور خواهد بود؛ زیرا همراه با طیب (استفاده از عطر و بوی خوش) ذکر شده یا روایت سوم، عبارت جعل لذتی فی النساء (لذت بردن من در وجود زنان قرار داده شده است) ظهور در این معنا دارد؛ اما وجود روایات دیگری که در ذیل معنای اول ذکر شد و به مثابه محکماتی هستند که روایات به ظاهر متشابه حب النساء را تفسیر می‌کنند.

خاصه آن‌که خصایص شخصیتی رسول اکرم ﷺ از جمله مقام عصمت و لوازم آن، معنای اول را تأیید و احتمال دوم را رد می‌کند؛ چه این‌که دوست داشتن افراطی زنان و بستن چشم خود بر واقعیات که پیامد آن، آلوده شده به هر فسق و فجوری است، هرگز در زندگانی پیامبر اسلام ﷺ - آن‌چنان‌که در زندگی مردان هوس‌باز مشهود است- مشاهده نشده است. با پذیرش

۱. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ».

این فرض که مراد از حبّ نساء، حبّ جنسی و غریزی باشد، هدف و مراد جدّی مبارزه با انحراف فکری و فرهنگی است. انحرافی که آن را به پیامبران نسبت می‌دادند؛ یعنی انزواطلبی و دنیاگریزی به عنوان زهد. چنین پدیده‌ای می‌توانست جامعه اسلامی را از درون فاسد و آسیب‌پذیر سازد، مؤید این امر دسته دیگری از روایات اسلامی است که با روایات حبّ النساء نزدیک است؛ از جمله این‌که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «چهار چیز از روش پیامبران الهی است: ۱- مسواک زدن، ۲- حنا گذاشتن، ۳- عطر زدن و ۴- ازدواج کردن» (طبرسی، ۱۳۷۷: ۴۱). پیامبر ﷺ در این روایت در مقام تأیید و دفاع از اصل مزاجت است نه ابراز افراط در هوسرانی. بنابراین مراد از حبّ النساء در کلام منسوب به رسول خدا ﷺ ارفاق و حفاظت از کرامت انسانی زنان یا مبارزه با انحراف فکری و فرهنگی است و توهم هوسرانی و شهوت‌پرستی جنسی درباره پیامبر گرامی اسلام ﷺ توهمی بیش نیست و باطل و معلول ساده‌اندیشی است (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۴۳-۱۴۴).

آیت‌الله جوادی نیز در مورد روایات محل بحث می‌نویسد: «منشأ گرایش مرد به زن و آرمیدن مرد در سایه انس به زن همانا مودّت و رحمتی است که خداوند بین آن‌ها قرار داده و این مودّت الهی و رحمت خدایی غیر از گرایش غریزی نر و ماده است که در حیوان‌ها هم موجود است و در قرآن کریم از گرایش شهوی حیوان‌ها به عنوان آیه الهی یاد نشده است و روی آن اصراری دیده نمی‌شود. آنچه در حدیث زرارة از حضرت امام صادق ﷺ رسیده است نیز همین معنا را تأیید می‌نماید که اصالت در گرایش مرد به زن همان محبت الهی است؛ زیرا مسئله شهوت جنسی بعد از انس انسانی حضرت آدم به حوا به او داده شد و در مرتبه قبلی که سخن از مهر قلبی است، سخن از غریزه شهوی اصلاً مطرح نبوده و نیست» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۰).

پیامبر اکرم ﷺ اساس زندگی را بر لطف و محبت عشق و علاقه بین زن و شوهر می‌داند و این موارد را به عنوان حقوق زن بر شوهر بیان نموده و از هر کاری که موجب از بین رفتن این عشق و محبت است را نهی کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۰۳: ۲۴۹). از نگاه ایشان، مهم‌ترین مشخصه مردان و انسان‌های بزرگوار در احترام به زنان و عدم توهین به آن‌ها است؛ همان‌طور که در جایی دیگر می‌فرماید: «زنان را گرامی نمی‌دارند، مگر افراد بزرگوار و به آنان توهین نمی‌کنند، جز مردم پست و فرومایه» (پاینده، ۱۳۸۵: ۳۱۸؛ امینی، ۱۳۸۵: ۴۴).

بنابراین، بر اساس این تحلیل روشن می‌شود که روایات دوست داشتن زنان و محبت به آن‌ها با آیات قرآن، سنت و عقل سلیم سازگاری دارد و این‌ها همه گویای نقش و جایگاهی است که پیامبر ﷺ برای زنان دوش به دوش مردان در همه مسائل زندگی فردی و اجتماعی قائل شده است.

نتیجه‌گیری

روایات دربردارنده این مطلب که رسول خدا ﷺ به زنان در کار، بوی خوش و نماز علاقه‌مند هستند، با اسناد مختلف در منابع روایی شیعه و اهل سنت گزارش شده است. پس از بررسی اسناد روایات روشن شد که بیشتر این روایات از سند صحیح برخوردار هستند و از این ناحیه هیچ‌گونه مشکلی ندارند. در بخش بعدی به تحلیل محتوای روایت پرداخته شد و روایات محل بحث در این نوشتار با سنجه‌هایی نظیر قرآن، روایات صحیح و عقل مورد ارزیابی قرار گرفت. در بخش عرضه روایات بر قرآن معلوم شد که آیاتی از قرآن مضمون روایات را مورد تأیید خود قرار می‌دهد. می‌توان گفت طبق این آیات رسول خدا ﷺ به دلیل وجود آرامشی که در مسئله ازدواج نهفته است و از طرفی باید از تمامی زینت‌های حلال الهی استفاده شود زنان را دوست می‌داشتند و هرگز این دوست داشتن، ارتباطی با دوست داشتن از نوع شهوانی و جنسی آن - که اشکالی در عصمت پیامبر ﷺ ایجاد کند - نبوده است.

در بخش دیگر روایات حب النساء بر روایات صحیح دیگری عرضه شد که آن روایات نیز در مقام تأیید روایات محل بحث بودند، از این جهت که در زن مودت و رحمتی وجود دارد که به وسیله آن می‌توان به آرامش رسید و در این زمینه نیز روایات متعددی وجود دارد که امر به ازدواج کرده‌اند.

همچنین روایات محل بحث هیچ‌گونه تعارضی با عقل ندارند و می‌توان آن‌ها را صحیح تلقی کرد و دلیلی ندارد که رسول خدا ﷺ که به نص صریح قرآن بشری مانند دیگران است و تنها تفاوت ایشان با دیگران در دریافت وحی است، به آرامش و آسایشی که خداوند در سایه زن قرار داده است، علاقه‌مند نباشد. این‌که ایشان دوست داشتن زنان را از روی مسائل شهوی و جنسی مطرح کرده باشند نیز از اساس صحیح نیست و خدشه‌ای بر عصمت ایشان وارد نمی‌کند؛ چراکه اگر این‌گونه باشد، با شأن ایشان در تعارض خواهد بود. ضمن این‌که برای صحیح بودن روایات محل بحث ادله متقن قرآنی و روایی ارائه شد. بنابراین، رسول خدا ﷺ از

آن جهت که در سایه زن آرامش، مودت و رحمت قرار گرفته است، زنان را دوست داشته‌اند و آیات و روایات نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند؛ همچنین از کنار هم گذاشتن محبت نماز و علاقه به زنان در روایات، روشن می‌شود که علاقه پیامبر ﷺ به نماز و زنان به این دلیل بوده است که این دو امر مهم در تکامل ایشان بسیار تأثیرگذار بود و این خود تأیید دیگری بر حفظ عصمت پیامبر ﷺ است و نه اشکالی بر عصمت ایشان. رسول اکرم ﷺ در خصوص زنان، در جامعه آن روز عرب- که جایگاهی برای زن قائل نبودند- سنت شکنی نموده است؛ بنابراین مراد از حب النساء در کلام منسوب به رسول خدا ﷺ حفاظت از کرامت انسانی زنان یا مبارزه با انحراف فکری و فرهنگی است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابراهیم نژاد، محمدرضا، (۱۳۹۱)، حدیث عشق و گناه بی‌گناهان، قم، انتشارات الهادی.
۲. ابن اشعث، محمد بن محمد، (بی‌تا)، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران، مكتبة النینوی الحدیثة.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، الخصال، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۴. ابن سعد، محمد، (بی‌تا)، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر.
۵. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. _____، (۱۳۶۲)، الخصال، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. احمدی، محمدحسن، (۱۳۸۸)، «غالیان و اندیشه تحریف قرآن»، علوم حدیث، دوره ۱۴، ش ۲ (۵۲)، ص ۱۸۵-۲۲۲.
۱۰. امینی، ابراهیم، (۱۳۸۵)، همسر داری، چاپ ۲۲، قم، بوستان کتاب.
۱۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق)، المحاسن، تصحیح: جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الإسلامیة.
۱۲. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۵)، نهج الفصاحة (مجموعه سخنان و خطبه‌های رسول اکرم ﷺ)، اصفهان، خاتم الانبیاء.

۱۳. جوادى آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، *زن در آئینه جلال و جمال*، قم، اسراء.
۱۴. _____، (۱۳۸۶)، *سرچشمه اندیشه*، قم، اسراء.
۱۵. _____، (۱۳۹۰)، *وحی و نبوت در قرآن*، قم، نشر اسراء.
۱۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، تصحیح: مؤسسه آل‌البتیة، قم، مؤسسه آل‌البتیة.
۱۷. حلبی، علی حسن علی، (۱۴۱۹ق)، *موسوعة الاحادیث و الآثار الضعیفة و الموضوعة*، ریاض، مكتبة المعارف.
۱۸. حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ق)، *كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم، النشر الاسلامی.
۱۹. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق)، *معجم رجال الحدیث*، بی‌جا، مركز نشر الثقافة الإسلامية فی العالم.
۲۰. دروزه، محمد عزّت، (۱۴۲۱ق)، *التفسیر الحدیث*، بیروت، دار الغرب الإسلامی.
۲۱. رازی، محمد بن عمر، (۱۴۰۴ق)، *محصل افکار المتقدمین و المتأخرین*، بیروت، دارالکتاب العربی.
۲۲. راوندی کاشانی، فضل‌الله بن علی، (بی‌تا)، *النوادر*، تصحیح: صادقی اردستانی، احمد، قم، دارالکتاب.
۲۳. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۲ق)، *الالهیات علی هدی کتاب و السنة و العقل*، بی‌جا، المركز العالمی للدراسات الإسلامیة.
۲۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
۲۵. _____، (۱۳۸۳)، *سنن النبی (آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام)*، ترجمه: حسین استاد ولی، قم، پیام آزادی.
۲۶. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۱۴۱۵ق)، *المعجم الأوسط*، بی‌جا، دار الحرمین للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۷. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
۲۸. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۷۷)، *مکارم الاخلاق*، قم، شریف رضی.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم، بی‌نا.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۷ق)، *العدة فی أصول الفقه*، قم، محمد تقی علاقبندیان.
۳۱. فاضل تونی، عبدالله بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *الوافیة فی أصول الفقه*، قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، تحقیق: مهدی مخزومی، قم، دار الهجرة.
۳۳. فقیهی، علی نقی، (۱۳۸۷)، *تربیت جنسی؛ مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۳۴. فیض کاشانی، ملا محسن، (بی‌تا)، *التحفه السنیة*، مشهد: کتبخانه آستان قدس رضوی.
۳۵. _____، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، چاپ دوم، تهران، الصدر.

۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الكافي، تصحيح: على ابر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية.*
۳۷. گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۹۴)، *تاریخ فقه و فقها، تهران، سازمان سمت.*
۳۸. لاهیجی، عبدالرزاق، (بی تا)، *سرمایه ایمان در اصول اعتقادات، قم، انتشارات الزهراء.*
۳۹. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوارالجامعه للدرراخبارالائمة الاطهار علیه السلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی.*
۴۰. _____، (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تحقیق و تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الإسلامية.*
۴۱. مدیر شانه چی، کاظم، (۱۳۸۸)، *علم الحديث، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.*
۴۲. مزی، جمال الدین، (۱۴۰۸ق)، *تهذیب الکمال، بیروت، مؤسسه الرسالة.*
۴۳. _____، (بی تا)، *میزان الاعتدال، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر.*
۴۴. معرفت، محمدهادی، (۱۴۲۳ق)، *شبهات وردود حول القرآن، قم، مؤسسه التمهید.*
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷)، *تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامية.*
۴۶. موسی، حسین یوسف و صعیدی، عبدالفتاح، (۱۴۱۰ق)، *الإفصاح فی فقه اللغة، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.*
۴۷. موصلی، ابویعلی، (بی تا)، *مسند ابی یعلی، بی جا، دارالمأمون للتراث.*
۴۸. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۹۴)، *رجال النجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعه)، قم، بوستان کتاب.*
۴۹. نفیسی، شادی، (۱۳۸۰)، «معیارهای نقد متن در ارزیابی حدیث»، *مقالات و بررسیها، دفتر ۷۰.*
۵۰. نائینی، محمدحسین، (۱۴۰۹ق)، *اجود التقریرات، قم، مؤسسه مطبوعاتی دینی.*
۵۱. نراقی، ملامهدی، (۱۳۶۹)، *انیس الموحلین، تهران، الزهراء.*
۵۲. نسائی، احمد بن شعیب، (۱۳۴۸ق)، *سنن النسائی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر والتوزیع.*
۵۳. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.*